

«مبانی حمایت از حقوق مصرف‌کننده در قرآن»

حسین اعظمی چهار برج^۱

چکیده:

قرآن سرچشمه همه معارف بشری است و بنا به اعتقاد مسلمانان تمامی احکام لازم برای زندگانی بشر تا آخرالزمان در آن ذکر شده است لذا در هر برهه‌ای از تاریخ می‌توان مبانی علوم جدید را در آیات منور آن یافت. در این نوشتار ضمن بررسی و تدقیق در آیات قرآن کریم، مبانی قرآنی حمایت از حقوق مصرف‌کننده استخراج و نهایتاً به لزوم اجرای عدالت و نهی اکل مال به باطل به عنوان دو مبنا از مبانی حمایت از حقوق مصرف‌کننده در قرآن اشاره شده است. در تدوین این نوشتار پیش فرض نگارنده این بوده است که احکام قرآنی هرچند در قالب ذکر مصداق و به صورت جزئی بیان شده ولی در بطن خود قواعد حقوقی و اقتصادی مهمی را دارد. لذا در تفسیر آیات قرآن باید دستورات آن را حکم کلی و قاعده عامی دانست که به لسان بیان مصداق آمده است.

واژگان کلیدی:

قرآن پژوهی، حقوق مصرف‌کننده، حقوق و قرآن، عدالت، ظلم، اکل مال به باطل.

مقدمه:

«مصرف کنندگان اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی هستند که برای کاربرد غیر حرفه‌ای اموال یا خدماتی را برای خود تهیه می‌کنند یا مورد استفاده قرار می‌دهند»^۱.

وضعیت این شخص از دو حالت خارج نیست:

- ۱- حالتی که مصرف‌کننده در وضعیت معاملاتی برابری با عرضه‌کننده^۲ قرار دارد که در این فرض اصول سنتی و کلاسیک حقوق قراردادهای بر روابط حقوقی طرفین حاکم بوده و نیاز به حمایت ویژه یکی از طرفین احساس نمی‌شود.
- ۲- در برخی حالات عرضه‌کننده در موقعیت برتری نسبت به مصرف‌کننده قرار دارد که از جمله می‌توان به عرضه کالاهای انحصاری اشاره کرد. مثلاً؛ زمانی که عرضه‌کننده به حکم قانون یا به طور طبیعی انحصاراً تولید کالا یا ارائه خدمتی را دارد، لاجرم موقعیت وی نسبت به مصرف‌کننده برتر خواهد بود. مثل؛ عرضه خدمات آب و برق و گاز که به حکم قوانین امری در انحصار ارائه‌دهنده خاصی قرار گرفته است. در چنین شرایطی عرضه‌کننده می‌تواند به واسطه شرایط خاص کالا یا شرایط خاص مصرف‌کننده شروط خود را به وی تحمیل نماید یا اساساً از عرضه کالا یا ارائه خدمت خودداری نماید یا به نحوی دیگری و بطور یک‌جانبه روابط قراردادی را تحت کنترل خود درآورد. در این حالت است که موضوع حمایت از مصرف‌کننده مطرح می‌گردد تا تعادل قراردادی ایجاد شود.

۱- ژان کلر، اکورا، تعریف مصرف‌کننده، ترجمه: عبدالرسول، قدک، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۹ الی ۳۰، ص ۳۱۱.

۲- منظور از عرضه‌کننده در این نوشتار معنای عام آن است و شامل: تولیدکننده، ارائه‌دهنده خدمات و عرضه‌کننده به معنای خاص می‌شود.

حمایت از مصرف‌کننده و حقوق وی از زوایای مختلفی قابل بررسی است که از آن جمله می‌توان به تحلیل اقتصادی حمایت از مصرف‌کننده یا تبیین آن بر اساس اصول و قواعد حقوقی اشاره کرد.

با توجه به این که در نظام حقوقی کشور ما قرآن کریم به عنوان اصلی‌ترین منبع حقوقی به شمار می‌رود، توجه به مبانی قرآنی حمایت از حقوق مصرف‌کننده می‌تواند در وضع قواعد حقوقی یا پذیرش قواعد حقوقی کنوانسیون‌های بین‌المللی و نیز در تفسیر قضایی قوانین راه‌گشا باشد.

به منظور تبیین این مبانی برآئیم تا با تحقیق در آیات قرآن، به بررسی مبانی آن پردازیم. به نظر می‌رسد که حداقل دو مبنای اصلی در آیات قرآن برای حمایت از حقوق مصرف‌کننده بیان شده است که طی دو گفتار به بررسی آن می‌پردازیم و در نهایت به مبانی دیگری که ممکن است در حمایت از حقوق مصرف‌کننده مورد توجه قرار گیرد اشاره خواهد شد.

گفتار اول: حمایت از حقوق مصرف‌کننده به مثابه برقراری عدالت اقتصادی

برخی حمایت از مصرف‌کننده را برای برقراری عدالت در روابط قراردادی و اقتصادی طرفین لازم می‌دانند. به نظر می‌رسد در آیات نورانی قرآن کریم نیز این مبنا یکی از اساسی‌ترین مبانی حمایت از مصرف‌کننده است.

بند اول: مفهوم و مبنای عدالت اقتصادی در قرآن

عدل در قرآن کریم در معانی مختلفی مورد استفاده قرار گرفته است: در معنای اسمی همیشه به مفهوم برابری، مساوات و پایداری بر حق است و در معنای وصفی بر راست بودن، متوازن بودن و درستی دلالت دارد. هم‌چنین عدالت و معادله را لفظی معنا کرده‌اند که اقتضای مساوات دارد و بیش‌تر هنگام تنگ‌دستی و کمبود مورد توجه قرار می‌گیرد. این تفسیر از عدالت جنبه اجتماعی مفهوم

عدالت را نمایان ساخته و با معنای عدالت در حوزه سیاست و اجتماع هم‌خوانی بیش‌تری دارد زیرا در این حوزه عدالت بیشتر به دلیل محدودیت امکانات و فرصت‌ها مطرح می‌شود.^۱

برخی عدل را حدوسط پرهیز از افراط و تفریط و حقیقت‌عدل را برقرار کردن مساوات و هماهنگی و توازن در امور می‌دانند به نحوی که حق هر شخصی به نحوی که شایسته است به او داده شود و همگان در جایگاهی که استحقاق آن را دارند قرار گرفته و نیکوکار سزای عمل خود را دیده و بددهکار عقوبت شود. هم‌چنین عدالت اقتضا می‌کند حق مظلوم از ظالم گرفته شود و در اجرای قواعد امری و الزام‌آور تبعیض روا نگردد.^۲

به نظر می‌رسد اصلی‌ترین آیه‌ای که می‌توان حکم به اجرای عدالت را از آن استنباط نمود آیه ۹۰ سوره مبارکه نحل می‌باشد: «أَنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَ...» «براستی خداوند به عدال و احسان ... فرمان می‌دهد».

به نظر برخی؛ «این آیه سه امر و سه نهی دارد و اول به عدل اشاره می‌کند، عدل یعنی هر امر و پدیده‌ای را در جای واقعی‌اش قرار دهی پس عدالت در عقیده این است که به آن چه حق است ایمان آوری و عدالت در عمل آن است که کاری کنی که سعادت تو در آن است و عدالت بین مردم این است که هر کس را در جای خودش قرار دهی و به نیکوکاران احسان کنی و بدکاران را عقاب نمایی و حق مظلوم را بستانی و در اجرای قانون تبعیض روا نداری».^۳ به نظر این گروه

۱- علی‌اکبر، علی‌خانی، عدالت قرآنی در اندیشه نصر حامد ابوزید، مجله مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۴، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۲۲.

۲- پیشین، ص ۱۲۳.

۳ عباس، پورسیف، خلاصه تفاسیر قرآن مجید (المیزان و نمونه)، انتشارات شاهد، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۹۱، ص ۷۰۷.

«آنچه مورد نظر آیه است عدالت اجتماعی است یعنی با هر کس طوری رفتار کنی که مستحق آن است و در جایی قرارش دهی که لایق اوست. پس هر فردی در اجتماع مأمور است که این حکم را اقامه کند. البته حکومت به طریق اولی باید عهده‌دار آن باشد».

در تبیین حقوقی این آیه دو نکته حائز اهمیت است:

اول) اجرای عدالت به عنوان حکم امری آمده است و همه افراد خصوصاً حکومت مکلف به اجرای عدالت هستند.

دوم) عدل به عنوان «موضوع حکم» قرار گرفته است، بنابراین تعیین معنا و مفهوم آن به عرف یا بنای عقلا واگذار شده است به عبارتی؛ خداوند تبارک و تعالی حکم و جوب اجرای عدالت را بر مفهومی از عدل بار فرموده‌اند که از روابط بین انسان‌ها استخراج می‌شود.

حال این سؤال مطرح می‌گردد که «موضوع عدالت» باید با رجوع به کدام عرف و کدام جامعه استخراج شود؟ آیا باید به عرف مؤمنین عمل نمود یا عرف متشرعه یا این که موضوع را باید فراتر از مرزهای عقیدتی و با رجوع به بنای تمامی عقلا و صرف نظر از مذهب و ایمان استنباط نمود؟

در پاسخ به این سؤال لازم به ذکر است که این آیه برخلاف اکثر آیات قرآن کریم که خطاب دارند و به گروه خاصی از انسان‌ها توجه شده است؛ مثل؛ «یا ایُّهَا النَّاسُ یا ایُّهَا الْکَافِرُونَ یا ایُّهَا الْمُؤْمِنُونَ و...» دارای خطاب خاص نیست و عدم ذکر مخاطب نشان‌گر جامعیت مفهومی آن است به نحوی که همه کائنات را شامل می‌شود. پس از این موضوع می‌توان استنباط کرد که مفهوم عدل در این آیه لزوماً به فهم مؤمنین یا مسلمانان واگذار نشده است بلکه جامعیت مفهومی فوق مستلزم این است که ماهیت موضوعات مذکور در آیه به طور عام مدنظر قرار گیرد و تعیین

حدود و ثغور آن محدود به فهم متشرعه نشود. بنابراین به نظر می‌رسد آن چه که عقلاً «بماهو عقلاً» از مفهوم «عدل» استنباط می‌کنند برای جریان حکم آیه کفایت می‌کند و نیازی به تصدیق یا رد متشرعه نیست.

پس برای اجرای حکم آیه فوق باید مصادیق عدل یا عدم اجرای عدالت معین گردد:

بند دوم: معیارهای عدل در قرآن

بهترین راه برای کشف مصادیق عدل رجوع به معیارهای قرآنی آن است، هرچند مفهوم عدالت به طور دقیق در آیات قرآن ذکر نشده و تعیین مصادیق بر عهده مخاطب قرار داده شده است با این حال ضابطه‌ها و معیارهایی برای آن در نظر گرفته شده است:

الف- میزان:

آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید «میزان» را به عنوان یکی از نمادهای عدل دانسته و بیان فرموده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...»: ترجمه: «به راستی رسولان خود را با دلایل آشکار فرستادیم و با آن‌ها کتاب و تراز را نازل کردیم تا مردم به انصاف برخیزند...».

در تفسیر این آیه آمده است^۱: «پیامبران با سه وسیله مجهز شده‌اند تا قسط و عدل حاکم گردد. یکی بینات مانند معجزات و دلایل عقلی، دیگری کتاب که همان وحی مکتوب و معارف دینی است و سومی میزان است یعنی احکام و قوانین که تمام اعمال انسان‌ها با آن سنجیده می‌شود و هیچ مانعی ندارد که قرآن هم بینه باشد و هم کتاب و هم میزان. این سه وسیله برای این است که مردم قیام به قسط کنند...».

میزان و ترازو نماد برقراری تعادل و توازن در روابط مختلف اجتماعی است. به نظر می‌رسد حمایت از حقوق مصرف‌کننده در روابط اقتصادی نیز برای برقراری این تعادل است و زمانی که تعادل اقتصادی برقرار شد دیگر موجبی برای حمایت بیشتر وجود ندارد و از طرفی برای شروع به حمایت باید عدم تعادل و توازن اثبات شود یا قرائن قوی عینی یا عقلی برای عدم توازن وجود داشته باشد بنابراین ملاحظه می‌گردد با تمسک به معیار قرآنی «میزان» عدم وجود عدالت در روابط مصرف‌کننده و عرضه‌کننده (با حصول شرایطی) اثبات می‌شود و متعاقباً حکومت به موجب حکم امری مذکور در آیه ۹۰ سوره مبارکه نحل مکلف به اجرای عدالت در این زمینه است که اقدام به این مهم (حمایت از حقوق مصرف‌کننده) تا رسیدن به تعادل اقتصادی با عرضه‌کننده ادامه خواهد داشت.

ب - ظلم:

در قرآن کریم یکی از شاخص‌های اصلی برقراری عدالت در روابط قراردادی آن است که به طرفین معامله ظلم نشود. آیه ۲۷۹ سوره مبارکه بقره بعد از بیان حرمت اخذ ربا در این خصوص می‌فرماید: «... وَ إِن تُبْتِئْ فَلَکُمْ رُؤْسُ أَمْوَالِکُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ». هر چند این آیه در مقام بیان احکام ربا است ولی به نظر می‌رسد قسمت اخیر آیه قاعده‌ای کلی و شاخص مهمی را برای شناخت عدالت به دست می‌دهد و آن این که در روابط قراردادی ظلمی به یکی از طرفین وارد نشود. چه این که قرارداد اخذ ربا (صرف نظر از صحت یا بطلان آن) در عصر نزول آیه شریفه یکی از قراردادهای عرفی بوده است و یکی از علل عمده بطلان این قرارداد ظلمی است که از اجرای آن به یکی از طرفین (ربا گیرنده) وارد می‌شود. برخی از مفسرین قرآن نیز دایره شمول قاعده مذکور در قسمت اخیر آیه فوق را تمام زمینه‌های زندگی اجتماعی می‌دانند و محدود به مباحث ربا نمی‌دانند. در قراردادهای مصرف نیز همین فلسفه وجود دارد چه این که با توجه به موقعیت برتر

قراردادی تولیدکننده، مصرف‌کننده مظلوم واقع شده و عدالت قراردادی در خصوص وی اجرا نمی‌گردد. برخی معتقدند؛ بخش اعظم مباحث عدالت در قرآن کریم موضوع عدالت مبادلاتی است. بنابراین عقیده دارند یکی از حقوقی که نقض آن باعث می‌شود احدی از طرفین ظالم و دیگری مظلوم تلقی شود تحمیل ارزشی متفاوت با ارزش واقعی و عرفی مال یا کار است این موضوع از نظر این گروه مشمول ادله اکل مال به باطل نیست بلکه مفهومی دقیق‌تر از آن است زیرا در این جا تصرف مالک جدید بدون مابه‌ازای اقتصادی و عوض نیست بلکه در برابر مابه‌ازای حق است اما حق بطور کامل استیفا نمی‌شود بنابراین مراعات کامل و دقیق ارزش کالاها و عوامل تولید از ضرورت‌های عدالت اقتصادی است.^۱

بنابراین ملاحظه می‌گردد جلوگیری از ظلم نیز به عنوان یکی از معیارهای قرآنی می‌تواند برای اجرای عدالت اقتصادی بین مصرف‌کننده و تولیدکننده و نهایتاً حمایت از حقوق مصرف‌کننده مورد استناد قرار گیرد.

بند سوم: تطبیق عرفی حقوق مصرف‌کننده بر مفهوم عدل

همان‌طور که در بند اول اشاره شد مفهومی که از آیه ۹۰ سوره مبارکه نحل استنباط می‌شود، معنای عرفی و عقلایی عدل است بنابراین به منظور تعیین تطبیق مصداق حمایت از حقوق مصرف‌کننده بر مفهوم اجرای عدالت به بررسی فهم عقلا از حقوق مصرف‌کننده می‌پردازیم:

با رجوع به نوشته‌های حقوقی سایر ملل درمی‌یابیم که آنها نیز خواسته یا ناخواسته از معیارهای قرآنی برای توجیه حمایت از حقوق مصرف‌کننده استفاده کرده‌اند مثلاً؛ در مقررات قانون مدنی کشور هلند مقررات الزام‌آور زیادی

۱- سیدمحمد رضا، سیدنورایی و سید احسان خاوندوزی، نظام‌نامه حقوق اقتصادی در قرآن،

فصل‌نامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۰، ص ۳۵.

برای حمایت از طرف ضعیف پیش‌بینی شده است که موجب برقراری عدالت قراردادی می‌شود.

برخی نویسندگان حقوقی مبنای حمایت از مصرف‌کننده را برقراری عدالت می‌دانند و معتقدند به دلیل این که منابع ایجاد قدرت از جمله آگاهی و اطلاعات و نیز ثروت در اختیار تولیدکنندگان است که این امر موجب بروز نابرابری بین مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان شده است چرا که؛ انگیزه کسب سود می‌تواند سوء استفاده از این نابرابری را برای طرف دارای موقعیت برتر توجیه کند. این در حالی است که حمایت از طرف ضعیف‌تر و جلوگیری از وقوع ظلم یکی از اهداف اصلی عدالت جویان است، بنابراین اگر از مصرف‌کننده حمایت به عمل نیاید مثل شکار بی‌دفاع در چنگال عرضه‌کنندگان گرفتار خواهند شد.^۱

یکی از استادان حقوق فرانسه در توجیه حمایت از مصرف‌کننده عقیده دارد که وظیفه قانون‌گذار حمایت از طرف ضعیف در مقابل طرف قوی قرارداد است اگر این تنها وظیفه قانون نباشد دست کم از وظایف اصلی آن محسوب می‌شود. اگر گروهی قربانی همیشگی سوءاستفاده قدرت‌های اقتصادی باشند، زندگی اجتماعی مختل خواهد شد و ضرورت حمایت از حقوق کارگران، کشاورزان و فروشندگان خرده‌پا امری است که تقریباً مورد اتفاق همگان است. بنابراین تمامی ادله‌ای که ضرورت حمایت از اقشار فوق را توجیه می‌کند به نفع اندیشه ضرورت حمایت از مصرف‌کنندگان قابل استناد است.^۲

۱- مهرانگیز، امیری و علیرضا سعادت‌مندی، نگاهی به حقوق مصرف‌کننده، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۰.

۲- ژان، کله‌الوا، معرفی حقوق مصرف، ترجمه: عباس، قاسمی حامد، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۷، ص ۲۵۲.

برخی پا را از این هم فراتر گذاشته و حقوق مصرف‌کننده را در زمره حقوق بشر دانسته‌اند به عقیده این گروه حمایت از مصرف‌کننده بخشی از اقدامات لازم جهت نیل و حفظ کرامت انسانی است چرا که تأمین رفاه مادی و حفظ منزلت اجتماعی نوع بشر یکی از دغدغه‌های اساسی حقوق بشر بوده است.^۱

زمانی که شرکت‌های چندملیتی با تکیه بر توانایی اقتصادی اراده خود را به مصرف‌کننده تحمیل نموده و با عرضه کالاها یا خدمات بی کیفیت، کرامت و سلامت ابنای بشر را به خطر می‌اندازد در واقع به اصول بنیادین حقوق بشر تعدی شده است، لذا به منظور برقراری عدالت در بازار و دفاع از کرامت انسانی مصرف‌کنندگان، باید با قوانین امری از حقوق آن‌ها حمایت شود.

برخی معتقدند از بین بردن این نابرابری در روابط معاملاتی یکی از انگیزه‌های کلیدی در تصویب قوانین حمایت از مصرف‌کننده بوده است. هم‌چنین در اسناد بین‌المللی حقوق بشری از جمله؛ بند یک ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به نحوی موضوع حقوق مصرف‌کننده و لزوم حمایت از وی مورد توجه قرار گرفته است.^۲

بنابراین ملاحظه می‌گردد که در نظر قانون‌گذاران ملی و بین‌المللی و نیز علمای حقوق که جزو عقلاهی جامعه محسوب می‌شوند حقوق مصرف‌کننده از لحاظ موضوعی به مفهوم عدل دلالت دارد و همه آنها حمایت از مصرف‌کننده را نوعی اجرای عدالت می‌دانند پس حمایت از مصرف‌کننده مشمول حکم و جوب آیه ۹۰ سوره مبارکه نحل قرار می‌گیرد.

۱- احد، باقرزاده، ضرورت رویکرد نظری حقوق مصرف‌کننده بر حقوق بشر، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۶، بهار ۱۳۸۳، ص ۱۵۹.

۲- بهنام، غفاری فارسانی، مصرف‌کننده و حقوق بنیادین او «نگاهی به قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹، ص ۲۰.

گفتار دوم: اکل مال به باطل

با تأمل در آیات قرآن کریم در می‌یابیم که اکل مال به باطل دارای دو مصداق است:

بند اول: اکل مال به باطل بدون تراضی

در بعضی موارد شخص بدون این که حقی بر دیگری داشته باشد نسبت به آن تصرفات مالکانه می‌نمایند مثلاً سارق مال مسروقه را تلف می‌نماید یا غاصب مال مغضوبه را می‌فروشد در این فرض شخص به حقوق دیگری تجاوز نموده و به عبارتی اکل مال به باطل می‌نماید.

قرآن کریم در آیه ۲۹ سوره مبارکه نساء خطاب به مؤمنان می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ...» ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال هم‌دیگر را در میان خود به باطل نخورید مگر آن که داد و ستدی به توافق خودتان باشد...».

بنا به عقیده برخی^۱ این آیه زیربنای قوانین اسلامی در مسایل اقتصادی و معاملات و مبادلات مالی را بیان می‌نماید. در نظر این گروه «باطل» هر عمل بدون غرض صحیح عقلایی را شامل می‌شود و هر گونه تقلب، غش، ربا، خرید و فروش وسایل فساد و گناه را شامل می‌شود و منظور از «اکل» هر نوع تصرف مالکانه است از قبیل خوردن، پوشیدن و سکونت است.

هرچند این آیه در مقام بیان قاعده کلی نهی از اکل مال به باطل است ولی به نظر می‌رسد تمسک به آن در باب حقوق مصرف دقیق نیست. بدین توضیح که؛ در این آیه «اکل مال به باطل» در مقابل «تراضی» قرار داده شده است و در واقع خداوند تبارک و تعالی در تصرف در اموال دیگران دو فرض غالب را مطرح فرموده و از یکی نهی و دیگری را مباح دانسته‌اند، پس لاجرم تصرف در اموال دیگران در

۱- عباس، سیف‌پور، پیشین، ص ۲۳۳.

صورتی از روی تراضی و توافق باشد از شمول «اکل مال بر باطل» خارج و در محدوده فرض دوم آیه یعنی «تراضی» قرار می‌گیرد.

در حقوق مصرف نیز اساساً غالب مباحث حول محور قراردادهای مصرف متمرکز می‌شود و اساساً استیلای عرضه‌کننده بر اموال مصرف‌کننده زمانی صورت می‌گیرد که قراردادی بین طرفین منعقد شده باشد و لاجرم توافق و تراضی در بین باشد لذا مباحث مربوط به حقوق مصرف از شمول حکم این آیه خروج موضوعی دارند و بر فرض که بتوان اکل مال به باطل را در این موارد تصور کرد قطعاً بدون تراضی نبوده و حداقلی از توافق بین طرفین وجود دارد.

بند دوم: اکل مال به باطل با وجود تراضی

در برخی از آیات قرآن، مصادیقی ذکر شده است که با تدقیق در مفاهیم آن‌ها نوعی اکل مال به باطل استنباط می‌شود علی‌رغم این که تراضی هم در آن‌ها وجود دارد که در این نوشتار از آن با عنوان «اکل مال به باطل با تراضی» نام می‌بریم.

این نوع از آیات غالباً به کاستن ارزش دارایی افراد می‌پردازد و آن را نهی می‌نماید. آیه ۸۵ سوره مبارکه اعراف در این باره می‌فرماید: «... فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ ...» ترجمه: «... پس پیمانۀ و ترازو را تمام نهدید و اموال مردم را کم ندهید و در زمین فساد نکنید ...» و نیز در آیه ۸۵ سوره مبارکه هود بعد از بیان اجتناب از کم‌فروشی می‌فرماید: «و يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ لَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» ترجمه: «وای قوم من! پیمانۀ و ترازو را به عدل، تمام و کمال دهید و حقوق مردم را کم ندهید و در زمین فساد بر پا نکنید». در آیات دیگری از جمله آیه ۱۸۳ سوره مبارکه شعرا و آیات اول الی سوم سوره مبارکه مطففین نیز به همین مضمون اشاره شده است. در بررسی این آیات ذکر چند نکته لازم است:

اول) در این آیه کم‌فروشی در کنار «فساد» آمده است و در واقع ملازمه‌ای بین آن‌ها برقرار شده است چه این که کم‌فروشی نوعی فساد در زمین است^۱. و زمانی که این امر در جامعه‌ای شایع گردد مردم اعتماد خود را از دست داده و امنیت اقتصادی از بین می‌رود.

دوم) گرچه از این آیات مسأله نهی از کم‌فروشی استنباط می‌شود ولی به نظر می‌رسد این آیات در مقام بیان قاعده اقتصادی ارزش و کارآمدی معاملات و قاعده حقوقی اعطای حق به صاحب حق است (اعطاء کل حق ذی حَقُّه) بنابراین حکم این آیه شامل مواردی از جمله؛ گران‌فروشی، فروش تحمیلی، فروش به قیمت بالاتر از قیمت عرفی، قراردادهای کار به عوض ناچیز و پایین‌تر از ارزش واقعی و هر اقدام منتهی به کاهش ارزش دارایی نیز می‌شود.

به نظر می‌رسد این آیات مبنای دقیقی برای تبیین مبانی قرآنی حمایت از حقوق مصرف‌کننده محسوب می‌شوند چرا که غالب تعدی و تجاوزها به حقوق مصرف‌کننده در حین انجام معامله و یا به سبب آن صورت می‌گیرد و واضح و مبرهن است که در معاملات تراضی وجود دارد.

تعدی به حقوق مصرف‌کننده باعث کاهش ارزش دارایی وی می‌شود بنابراین به موجب آیات فوق حمایت از حقوق وی و جلوگیری از تعدی عرضه‌کننده واجب امری ضروری است. از طرف دیگر در آیات ۸۵ سوره مبارکه هود و اعراف تقلیل دارایی افراد از ورودی حیل و نیرنگ و سوء استفاده از نیاز خریدار و مصرف‌کننده نوعی فساد تلقی شده است لذا لزوم مبارزه با فساد فی الارض و ادله آن نیز حمایت از مصرف‌کننده را توجیه می‌کند.

آیات ۲۳ و ۲۴ سوره مبارکه، ص ۹۴ و ۹۵ سوره مبارکه کهف و ۴ و ۸۳ سوره مبارکه قصص هر نوع سوء استفاده از موقعیت برتر در مبادلات را نفی می‌فرماید و

استفاده نابه‌جا از رابطه بالادستی و پایین دستی را مورد نکوهش قرار می‌دهد. این آیات نیز جزو مبانی قرآنی حمایت از حقوق مصرف‌کننده تلقی می‌شوند چرا که (همان‌طور که گفته شد) مصرف‌کننده در مبادلات اقتصادی، در صورتی که بازار انحصاری بوده یا رقابت کامل وجود نداشته باشد طرف ضعیف تلقی می‌شود و در انعقاد معامله قدرت چانه‌زنی کمتری دارد هم‌چنین در امور پیچیده و فنی اطلاعات کاملی در اختیار ندارد تا بر اساس آن تصمیم‌گیری نماید بنابراین عرضه‌کننده که نوعاً قدرت اقتصادی بالاتر و به تبع قدرت چانه‌زنی بالاتری دارد طرف قوی محسوب شده و در موقعیت برتری قرار دارد. بنابراین هر نوع استفاده نابه‌جا از این موقعیت مشمول نهی قرآنی قرار می‌گیرد.

گفتار سوم: سایر مبانی قرآنی حمایت از حقوق مصرف‌کننده

از دیگر مبانی قرآنی که برای حمایت از مصرف‌کننده قابل طرح است موضوع امر به معروف و نهی از منکر است.

مکلفین مشمول این حکم را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد:

اول) افراد عادی جامعه و مؤمنین که در صورت حصول شرایط باید امر به معروف و نهی از منکر نمایند.

دوم) حکومت اسلامی و حاکم که مکلف است امر به معروف نماید.

در این خصوص آیه ۱۰۴ سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» ترجمه: «باید از شما مسلمانان برخی که دانا و با تقوی‌ترند خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند و ایشان که به حقیقت واسطه هدایت خلق هستند در دو عالم در کمال فیروز بختی و رستگاری خواهند بود.»

صرف نظر از این که به عقیده مفسرین امر به معروف و نهی از منکر از جمله واجبات کفایی است^۱، به نظر می‌رسد در مواردی اجرای این امر توسط حکومت اولی‌تر است و در مواردی نیز به جهت عدم توانایی افرادی غیر از حاکم در اجرای آن لزوم امر به معروف و نهی از منکر در حاکم تعیین پیدا می‌کند. از جمله این امور حمایت از مصرف‌کننده است چرا که قبلاً اثبات شد تعدی و تجاوز به حقوق مصرف‌کننده نوعی ظلم و بی‌عدالتی یا اکل مال به باطل تلقی می‌شوند بنابراین در زمره منکرات قرار می‌گیرد و واجب است که گروهی از مسلمانان مرتکبین این منکرات را نهی کنند ولی به غیر از حاکم افراد دیگری توانایی عملی جلوگیری از منکر را ندارند به دلیل این که تولیدکننده و عرضه‌کننده به جهت سودی که ممکن است از عدم رعایت حقوق مصرف‌کننده عاید وی می‌شود غالباً حاضر نیست با توصیه‌های اخلاقی صرف از سود سرشار صرف‌نظر نماید بنابراین نیاز به الزام و اجبار توسط مقامات دولتی و حاکم است تا از تعدی به حقوق طرف ضعیف‌تر جلوگیری شود.

پس لزوم امر به معروف و نهی از منکر نیز می‌تواند یکی از مبانی قرآنی حمایت از حقوق مصرف‌کننده تلقی گردد.

نتیجه‌گیری

با تدبر در آیات نورانی قرآن کریم درمی‌یابیم که هرچند به طور خاص حمایت از مصرف‌کننده در آیات آن تبیین نشده است ولی مبانی حمایت و اهدافی که از آن دنبال می‌شود در آیات مختلف قرآن کریم ذکر شده است و حتی برخی از مصادیقی که در حقوق جدید به عنوان تعدی به حقوق مصرف‌کننده شناخته

۱- علامه سیدمحمد حسین، طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد سوم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، لبنان، بیروت، ۱۹۹۱، ص ۴۲۷.

می‌شود (مثل کم‌فروشی) صراحتاً در قرآن مورد اشاره قرار گرفته و انسان‌ها از ارتکاب آن نهی شده‌اند.

سه مبنای قرآنی را می‌توان به عنوان مبنای حمایت از حقوق مصرف‌کننده و تکلیف دولت به وضع مقررات حمایتی، نظارت بر اجرا و تعزیر متخلفان برشمرد. نهایتاً به نظر می‌رسد مبنای اصلی حمایت از حقوق مصرف‌کننده در قرآن کریم لزوم برقراری عدالت اقتصادی باشد چرا که اساساً هدف از حمایت فوق برقراری تعادل اقتصادی بین طرفین معامله و جلوگیری از تضییع حق طرف ضعیف‌تر است که این معنا با مفهوم عدل و عدالت همخوانی داشته و با معیارهای قرآنی عدالت (مثل میزان) قابل اندازه‌گیری و انطباق است و سایر مبانی مثل اکل مال به باطل یا امر به معروف و نهی از منکر به نوعی به این مبنا باز می‌گردد.

مصادیق عدل و بی‌عدالتی نیز در موضوعاتی مثل حقوق مصرف‌کننده یا مشتری حقیقت شرعیه نداشته و تطبیق موضوعات و تعیین مصداق‌های عدل و بی‌عدالتی به فهم عقلا و عرف احاله شده است و از آنجایی که اکثر کشورهای دنیا به وضع مقررات حمایتی جهت جلوگیری از تجاوز و تعدی به حقوق مصرف‌کننده اقدام نموده‌اند، این مفهوم را القا می‌کند که عقلا و عالمان جوامع مختلف تجاوز به حقوق مصرف‌کننده را یکی از مصادیق بی‌عدالتی می‌دانند و جهت رفع این ظلم اقدام به وضع مقررات الزام‌آور کرده‌اند. پس در نظام حقوقی ایران نیز تمسک به این مبنا می‌تواند موجبات وضع مقرراتی حمایتی و نظارت بر رعایت حقوق مصرف‌کننده را بیش از پیش فراهم آورد.

منابع و مأخذ:

- ۱) مهرانگیز، امیری و سعادت‌مندی، علیرضا، نگاهی به حقوق مصرف‌کننده، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۷۴.
- ۲) باقرزاده، احد، ضرورت رویکرد نظری حقوق مصرف‌کننده بر حقوق بشر، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۶، بهار ۱۳۸۳.
- ۳) پور یوسف، عباس، خلاصه تفاسیر قرآن مجید (المیزان و نمونه)، انتشارات شاهد، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۹۱.
- ۴) ژان کلر اکورا، تعریف مصرف‌کننده، ترجمه: قدک، عبدالرسول، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۹ الی ۳۰.
- ۵) کله‌الوا، ژان، معرفی حقوق مصرف، ترجمه: قاسمی حامد، عباس، مجله حقوقی، شماره ۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۷.
- ۶) نورایی، سید محمدرضا و خاوندوزی، سید احسان، نظام‌نامه حقوق اقتصادی در قرآن «فصل‌نامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۲، تابستان ۱۳۹۰.
- ۷) طباطبایی، علامه سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن جلد سوم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، لبنان، بیروت، ۱۹۹۱م.
- ۸) علی‌خانی، علی‌اکبر، عدالت قرآنی در اندیشه نصر حامد ابوزید، مجله مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۴، زمستان ۱۳۸۲.
- ۹) غفاری فارسانی، بهنام، مصرف‌کننده و حقوق بنیادین او «نگاهی به قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.

